

# حفظ ثبات در افغانستان؛ از اقدامات داخلی تا گفتگو در سطح کشور های منطقه

سرمقاله

## تغییر سیاست منفعلانه دولت در قبال حملات طالبان

محمد رضا هویدا

پیشروی و حملات تهاجمی طالبان که منتج به سقوط شماری از ولسوالی ها در نقاط مختلف کشور شده است، یک روی سکه جنگ در افغانستان است. در طرف دیگر این سکه، استراتژی دولت افغانستان است که در حالت دفاعی قرار گرفته و در خیال رسیدن به صلح به سیاست امتیاز دهی به طالبان ادامه داده می دهد. دو یا سه سال کافی بود که دولت افغانستان بفهمد، سیاست تفرع و امتیاز دهی به طالبان جز به تقویت طالبان به نتیجه دیگری نخواهد رسید. اما دولت افغانستان این سیاست را برای سالهای سال ادامه داد و تا اندازه ای بر این سیاست پای فشرد که طالبان بدین حد قوی و قدرتمند شدند.

طالبان در سال روان تهدید کرده بودند که عملیات های خود را تشدید می کنند، و این کار را نیز کردند. طالبان جغرافیای جنگ را وسعت دادند و بر خلاف انتظارات مردم، این بار به شمال کشور حمله کردند و با سقوط دادن کندهار از نگاه نظامی و سیاسی برای خود اعتبار زیادی به دست آوردند. در مقابل دولت افغانستان هشدار داده بود که امسال، سال سختی برای مردم و دولت افغانستان خواهد بود و مردم باید منتظر دشواریهای زیادی باشند.

امسال، به طور معمول، مناطق و شهرهای کشور در خطر حمله و سقوط قرار می گیرند، همه رستخانه های گروهی و مردم و مسئولان محلی، از دولت خواهان توجه می شوند و اما دولت بعد از حمله طالبان و در بسیاری موارد سقوط مناطق و تحمل خسارات فراوان مالی و جانی، سرانجام قصد بازپس گیری آن مناطق را می کند و با صرف هزینه چند برابر مناطق سوخته و ویران شده را از طالبان پس می گیرد.

اولا این سیاست طالبان را در حد اقل از نگاه روانی و تبلیغاتی در موضع برتر قرار می دهد. طالبان با چنین سیاستی می توانند روحیه مردم و نیروهای دولتی را تخریب کنند، کاری که برای رسیدن به آن باید هزینه هایی فراوانی بکنند، را بدون هزینه و حتا با هزینه دولت افغانستان به انجام می رسانند. طالبان نیز به اهمیت این موضوع آگاهی دارند و استفاده زیادی نیز از آن کرده اند.

ثانیا این سیاست دولت افغانستان را در موضعی سردرگمی قرار می دهد. دولت که فقط انتظار حمله دشمن را می کشد و مطابق با آن می خواهد عکس العمل نشان دهد. موضع منفعلانه دولت، باعث می شود که دولت دنباله رو اقدامات دشمن خود باشد و خود منفعلانه عکس العمل نشان دهد. طبیعی است که ابتکار عمل به دست طالبان خواهد بود و دولت قادر نیست ابتکاری در جنگ داشته باشد.

به هر حال، آنچه در این روزها از دولت انتظار می رود و تا حدودی در عملکرد دولت دیده می شود، اتخاذ سیاست تهاجمی در مقابل طالبان است. این سیاست به دولت این امکان را می دهد که دولت ابتکار عمل در جنگ را بدست گیرد و طالبان را مجبور بسازد که منتظر عمل دولت باشند. در چنین حالی است که با توجه به وضعیت طالبان، طالبان قادر نخواهد بود با خیال راحت برای تسخیر ولسوالی ها و شهرهای کشور نقشه بکشند و آزادانه دست به عملیات بزنند. در چنین حالتی طالبان مجبورند تا در هراس از حملات نیروهای دولتی قرار داشته باشند. طالبان در این صورت با شرایط سختی مواجه خواهند.

دولت افغانستان تا زمانی به سیاست دفاعی، خود در مقابل طالبان ادامه دهد، مطمئنا جز تحمل تلفات و خسارات بیشتر دستاوردی نخواهد داشت و این طالبان خواهد بود که یک قدم پیشتر از دولت جنگ را کنترل خواهد نمود. تغییرات و اقدامات جدید در سکتور امنیتی، این امیدواری را به وجود آورد است که دولت بتواند تا حدودی برای استراتژی تحت کنترل آوردن اوضاع امنیتی فعالیت کند.

بعد از استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا در افغانستان تحولات و دگرگونی های مثبت در قبال افغانستان اتفاق افتاده است. این دگرگونی حتی نوع نگاه و روحیه نخبگان سیاسی را نیز دگرگون ساخته است. سازمان اتلانتیک شمالی ناتو نیز اعلان نموده است که آلمان، ترکیه و ایتالیا نیرو های خود را در افغانستان حفظ خواهد کرد. آلمان در حدود ۸۵۰، ترکیه ۷۶۰ و ایتالیا در حدود ۵۰۰ سرباز در افغانستان دارد. این تحولات مهم در راستای حفظ حکومت مرکزی، تقویت نیرو های امنیتی و آوردن ثبات در کشور است. جدا از این مسئله، گفتگو های در سطح منطقه و جهان نیز میان مقامات کشور ها برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان صورت گرفته است. نواز شریف، نخست وزیر پاکستان به آمریکا سفر نموده است. بنا بر گزارش ها، باراک اوباما به نواز شریف گفته است که در روند صلح در افغانستان همکاری نماید. در عین حال، اشرف غنی، رئیس جمهوری در سخنرانی خود در یک آکادمی نظامی گفته است که دروازه صلح برای همه باز است. کسانی که قانون اساسی کشور را قبول دارد، می تواند با حکومت افغانستان وارد گفتگو شود. در عین حال، حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی کشور با سفیر هندوستان ملاقات نموده است و گفته است که صلح در افغانستان نیازمند همکاری صادقانه کشور های منطقه می باشد. همه این رویداد ها، در سطح داخلی و بین المللی برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان است. این مسئله خوشبینی ها را نسبت به آینده افزایش می دهد.

پروژه صلح در چند سال گذشته بر هزینه بوده است. در کنار آن هزینه جنگ نیز زیاد بوده است. بنا بر برآورد ها سالانه در حدود ۹ میلیارد دلار هزینه جنگ در افغانستان می باشد. از این جهت لازم است که صلح جدی گرفته شود و در عین حال، اصلاحات در سیاست صلح خواهی حکومت افغانستان آورده شود.

صلح بدون همکاری کشور های منطقه ممکن و عملی نیست. اکنون، بر همه واضح شده است که گروه های دهشت

بنا بر این هرگاه سرنوشت جامعه و کشوری که در کف زعامت چنین حکومت ها و زمامداران سوء، خودکامه و غیرمسئول قرار گیرد و فساد ماهیت و جوهره نظام را در خون پوسانیده باشد، آن جامعه هرگز سعادت مند و خوش بخت نخواهد شد. از آنجاییکه در روزها و شب های که اینک در آن قرار داریم ایام محرم الحرام می باشد، رویدادهای این ماه نیز می تواند در معرفی حکومت سوء یا حاکمیت اشرار و برآیند آن بر جامعه و سرنوشت مردم را بخوبی بر ما روشن سازد. یکی از علل اساسی و عمده وقوع حادثه کربلا در واقع چیزی جز سوء مدیریت و حاکمیت شرارت نبود. در اثر سوء مدیریت جامعه مسلمین نه تنها پاره پاره گردیده و دچار اختلاف شده بودند بلکه کینه و ستم و انحراف از مسیر اصلی سرنوشت آنان را در تاریکی فرو برده بود. و اتفاقا یکی از ادعاهای بزرگ و بنیادین امام حسین در قیام خود مسئله اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و سوء مدیریت مطرح کرده است. در شرایط کنونی و در عصر حاضر و در شب و روزهای که میگذرد با وجود آنکه جامعه ما دوران سیاه و تاریکی را پشت سر نهاده است؛ اما در شرایط فعلی متأسفانه هنوز از وضعیت قابل قبول بر خور دار نمی باشیم. زیرا زمامداران بر سر قدرت از مشروعیت و اعتماد مردم سوء استفاده نموده و مقبولیت خود را طی چند سال اخیر از دست داده اند. آنان انتظارات و خواست های برحق مردم را بر آورده نتوانستند، مصیبت بارتر اینکه رای و پشتیبانی مردم توسط آنان به بازی گرفته شد، ضرورت های تاریخی و اجتماعی کشور و نیاز مندی های جامعه هیچگاه مورد توجه قرار نگرفت.

ن.بست. بنابراین، حکومت باید کارکرد خود را بالا برده و برای مردم خدمات ارائه نماید. یک رابطه دو طرفه میان حکومت و مردم وجود داشته باشد. در عین حال، باید زمینه های ذهنی و فکری نیز برای روی آوری به صلح و زندگی مسالمت آمیز شکل بگیرد. این کار زمانی ممکن می گردد که سطح سواد در افغانستان بالا برود. مکاتب در سراسر کشور باز داشته شود. مواد درسی به گونه ای تنظیم گردد که مدارا و تساهل ترویج شود. در کنار این مسئله، حکومت مرکزی باید خرده قدرت ها را از سطح جامعه جمع آوری نموده و در انحصار خود در آورد. در وضعیت کنونی ما در جهت مخالف روانیم. روزانه هزاران اسلحه در سطح کشور خرید و فروش می شود. این کار حکومت مرکزی در آوردن صلح را دشوار می سازد.

در عین حال، حکومت مرکزی لازم است که سیاست ورزی قومی را کنار بگذارد. حکومت باید سیاست ملی را در پیش گرفته و عدالت اجتماعی را در اجرای سیاست ها اعمال نماید. در حال حاضر یکی از دلایل ایجاد شکاف میان شهروندان و حکومت سیاست ورزی قومی حکومت مرکزی است. بنابراین، آوردن صلح و ثبات در کشور تنها محدود به گروه های دهشت افکن نمی شود. چه بسی آمدن و روی آوری گروه های دهشت افکن به صلح و بیوستن آن ها در زمان حاکمیت گروه طالبان پاکستان قادر به دست یابی به منابع طبیعی آسیایی میانه نشد، بازگشت دوباره گروه طالبان نیز این کار را ممکن نمی سازد. تجربه های گذشته می تواند رسیدن به تفاهم را ممکن سازد.

این مسائل در سطح منطقه و بین الملل باید صورت گیرد. صلح بدون فراهم نبودن زمینه های داخلی امکان پذیر نیست. بنابراین، لازم است که حکومت مرکزی یک سری اقدامات را روی دست بگیرد. اساسی ترین مسئله جلب رضایت مردم است. شکاف جدی میان حکومت و مردم به وجود آمده است. تا زمانی که این شکاف پر نگردد و مردم به نهاد های ملی اعتماد نمایند، آوردن هر گونه صلح امکان پذیر



علی قادری

میان افغانستان، پاکستان و هند داشته باشد. نشست سه جانبه میان این سه کشور یک ضرورت برای منطقه است. در این نشست باید روی تنش های پاکستان و هند، پاکستان و افغانستان متمرکز باشد. هم مسئله کشمیر و هم مسئله افغانستان و پاکستان حل گردد. دوم: دستگاه دیپلماسی کشور باید از هر ابزار ممکن استفاده نموده است و جامعه جهانی را متقاعد سازد که بر پاکستان فشار آورد تا در پروژه صلح همکاری نماید و روابط خود را با گروه های دهشت افکن قطع نماید.

پروژه های کلان اقتصادی که میان آسیایی جنوبی و آسیایی میانه می تواند فرصت و زمینه آوردن صلح در افغانستان را کمک نماید. خط لوله تاپی یکی از موارد است. هم هند و هم پاکستان به منابع طبیعی آسیایی میانه نیاز دارد. افغانستان مسیری است که هند و پاکستان می تواند به این منابع دسترسی داشته باشد. از این جهت، گفتگوی در سطح کلان لازم است تا کشور

افکن با کشور های منطقه در ارتباط است و در مواردی سازماندهی حملات در خاک کشور های منطقه صورت می گیرد. رسانه های غربی نیز بار ها این مسئله را به صورت عریان بیان نموده است. بنابراین، در این زمینه در دو سطح کار صورت گیرد. اول: دستگاه دیپلماسی کشور باید سیاست را روی دست بگیرد که موجب شود کشور های منطقه نسبت به افغانستان و حکومت مرکزی احساس خطر نکنند. کشور ها را متقاعد سازد تا با افغانستان از در همکاری وارد شود. به صورت عینی، افغانستان باید تلاش نماید به مقامات پاکستان بفهماند و متقاعد شان کند که حکومت دموکراتیک و با ثبات در افغانستان به نفع پاکستان است. افغانستان با ثبات هیچ گاه به کشور های دیگر فرصت آن را نخواهد داد، تا از خاک افغانستان برای نفوذ در پاکستان استفاده نماید. ناامنی در افغانستان تا اندازه زیاد ریشه در منازعات طولانی مدت هند و پاکستان دارد. حکومت افغانستان می تواند ابتکاری برگراری نشیست های سه جانبه

به انواع حکومت ها و امپراتوری ها، نقش سوء مدیریت و فساد را در فروپاشی و انهدام آنان بصورت برجسته بیان داشته اند. امپراتوری های عظیمی که شکوه و جبروت شان چشم ها را خیره می ساخت، فرامزروایی که در ابتدا دست بکار مردم عظیم زده بودند، مشروعیت و اتوریته شان در قلمرو فرامزروایی آنان مستحکم و قوی بود؛ سر انجام بخاطر سوء مدیریت به روز گاری مبتلا شدند که سیاهی لشکر شان از مقابل گروهی اندک از دشمن متواوری گردیده و شکست خوردند و امپراتور راهی دیار آوارگی و سرگردانی گردیده تا اینکه شمشیر تشنه ای خود را از خون وی سیراب نمود.

بنا بر این هرگاه سرنوشت جامعه و کشوری که در کف زعامت چنین حکومت ها و زمامداران سوء، خودکامه و غیرمسئول قرار گیرد و فساد ماهیت و جوهره نظام را در خون پوسانیده باشد، آن جامعه هرگز سعادت مند و خوش بخت نخواهد شد. از آنجاییکه در روزها و شب های که اینک در آن قرار داریم ایام محرم الحرام می باشد، رویدادهای این ماه نیز می تواند در معرفی حکومت سوء یا حاکمیت اشرار و برآیند آن بر جامعه و سرنوشت مردم را بخوبی بر ما روشن سازد. یکی از علل اساسی و عمده وقوع حادثه کربلا در واقع چیزی جز سوء مدیریت و حاکمیت شرارت نبود. در اثر سوء مدیریت جامعه مسلمین نه تنها پاره پاره گردیده و دچار اختلاف شده بودند بلکه کینه و ستم و انحراف از مسیر اصلی سرنوشت آنان را در تاریکی فرو برده بود. و اتفاقا یکی از ادعاهای بزرگ و بنیادین امام حسین در قیام خود مسئله اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و سوء مدیریت مطرح کرده است. در شرایط کنونی و در عصر حاضر و در شب و روزهای که میگذرد با وجود آنکه جامعه ما دوران سیاه و تاریکی را پشت سر نهاده است؛ اما در شرایط فعلی متأسفانه هنوز از وضعیت قابل قبول بر خور دار نمی باشیم. زیرا زمامداران بر سر قدرت از مشروعیت و اعتماد مردم سوء استفاده نموده و مقبولیت خود را طی چند سال اخیر از دست داده اند. آنان انتظارات و خواست های برحق مردم را بر آورده نتوانستند، مصیبت بارتر اینکه رای و پشتیبانی مردم توسط آنان به بازی گرفته شد، ضرورت های تاریخی و اجتماعی کشور و نیاز مندی های جامعه هیچگاه مورد توجه قرار نگرفت.

# سرنوشت جامعه گروگان سوء مدیریت ها!

عبدالله هروی



اند با این که ثبت و عمل های خلاف قانون و مصالح نظام را در پیش دارند. نکته مهم در این زمینه آن است که مدعیان مبارزه با فساد افزون بر این که هیچ گونه طرح و برنامه ای را برای مبارزه با فساد ندارند، در بنیان هیچگونه باورمندی نسبت به آن ندارند. بنابراین حاکمیت قانون و بالابردن ظرفیت حکومت و جامعه و تحقق حکومتداری خوب با ناکس عملی شدند، و...جالب اینست که بسیاری از مسئولان بجای اینکه در بی راه حل اساسی باشند سعی نمودند که از وقوع چنان فجایعی بی تفاوت عبور نمایند و یا آن را در حاشیه قرار داده و کم رنگ نشان دهند. اینست حکومت بی قانون و جامعه بی بازخواست!

در گزینش مقامات در مرکز و ولایت ها و ریاست ها کاملا بصورت علنی در ساختار اداری و سیاسی مشاهده نمود. پروسه ای که از مدت ها قبل تا کنون ادامه دارد. افشاح و رسوایی که بنام مکاتب خیالی در معارف کشور مطرح گردید، هم چنین کتک های خیالی در اردوی ملی مطرح شد و... قرار دادها و پروژه های که با اساس وجود نداشتند و یا بصورت بسیار ناقص عملی شدند، و...جالب اینست که بسیاری از مسئولان بجای اینکه در بی راه حل اساسی باشند سعی نمودند که از وقوع چنان فجایعی بی تفاوت عبور نمایند و یا آن را در حاشیه قرار داده و کم رنگ نشان دهند. اینست حکومت بی قانون و جامعه بی بازخواست!

در گزینش مقامات در مرکز و ولایت ها و ریاست ها کاملا بصورت علنی در ساختار اداری و سیاسی مشاهده نمود. پروسه ای که از مدت ها قبل تا کنون ادامه دارد. افشاح و رسوایی که بنام مکاتب خیالی در معارف کشور مطرح گردید، هم چنین کتک های خیالی در اردوی ملی مطرح شد و... قرار دادها و پروژه های که با اساس وجود نداشتند و یا بصورت بسیار ناقص عملی شدند، و...جالب اینست که بسیاری از مسئولان بجای اینکه در بی راه حل اساسی باشند سعی نمودند که از وقوع چنان فجایعی بی تفاوت عبور نمایند و یا آن را در حاشیه قرار داده و کم رنگ نشان دهند. اینست حکومت بی قانون و جامعه بی بازخواست!

فرصت هسای بلند و با اهمیت بین المللی بطور مطلق هدر رفت. آثار و بقایای شوم بجای مانده از دوران بچسبان نه تنها رفع نگردید، بلکه نفاق هسای تازه تر دامن زده شده است. زخم های کهنه دوباره سرباز زده اند. رسم های فاسد گذشته دوباره رایج گردیده است. خیانت و وطن فروشی توجیه های فریبنده بخود گرفت. سرنوشت کشور به دست مافیاهای مرمدم کر گردید. وزیران و مقامات بصورت عریان نادانسی ها و نا کار آمدی های خود را در برابر رسانه ها و جهانیان کتمان می نمایند. هر مقامی فقط به فکر اینست که چگونه رضایت مقام مافوق خود و در نهایت رئیس خود را یا هر نیرنگی بدست آورد و معاش های گزاف او تضمین گردد، مقام و رئیس نیز فقط در فکر اینست که این زمامداری چگونه از چنگش خارج نشود و چگونه مهره ها و دلقک های گوش فرمان را بیابد که فقط با اشاره سر انگشت او در معرکه برقصند یا آبد، نمونه و تمثیل این موارد را می توان

بنابراین هرگاه سرنوشت جامعه و کشوری که در کف زعامت چنین حکومت ها و زمامداران سوء، خودکامه و غیرمسئول قرار گیرد و فساد ماهیت و جوهره نظام را در خون پوسانیده باشد، آن جامعه هرگز سعادت مند و خوش بخت نخواهد شد. از آنجاییکه در روزها و شب های که اینک در آن قرار داریم ایام محرم الحرام می باشد، رویدادهای این ماه نیز می تواند در معرفی حکومت سوء یا حاکمیت اشرار و برآیند آن بر جامعه و سرنوشت مردم را بخوبی بر ما روشن سازد. یکی از علل اساسی و عمده وقوع حادثه کربلا در واقع چیزی جز سوء مدیریت و حاکمیت شرارت نبود. در اثر سوء مدیریت جامعه مسلمین نه تنها پاره پاره گردیده و دچار اختلاف شده بودند بلکه کینه و ستم و انحراف از مسیر اصلی سرنوشت آنان را در تاریکی فرو برده بود. و اتفاقا یکی از ادعاهای بزرگ و بنیادین امام حسین در قیام خود مسئله اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و سوء مدیریت مطرح کرده است. در شرایط کنونی و در عصر حاضر و در شب و روزهای که میگذرد با وجود آنکه جامعه ما دوران سیاه و تاریکی را پشت سر نهاده است؛ اما در شرایط فعلی متأسفانه هنوز از وضعیت قابل قبول بر خور دار نمی باشیم. زیرا زمامداران بر سر قدرت از مشروعیت و اعتماد مردم سوء استفاده نموده و مقبولیت خود را طی چند سال اخیر از دست داده اند. آنان انتظارات و خواست های برحق مردم را بر آورده نتوانستند، مصیبت بارتر اینکه رای و پشتیبانی مردم توسط آنان به بازی گرفته شد، ضرورت های تاریخی و اجتماعی کشور و نیاز مندی های جامعه هیچگاه مورد توجه قرار نگرفت.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۸

افغانستان  
The Daily Afghanistan  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine